

تظاهرات بزرگ ضد سرمایه داری در فرانکفورت

ناهید جعفرپور



روی پارچه های رنگی نوشته شده بود: بر علیه قدرت بانک ها و حرص برای سود بردن. و یا نه به جنگ نه به فقر نه به استثمار آری به آینده ای بهتر.

فرانکفورت ۳۱ ماه ۲۰۱۳

روز ۳۱ ماه ۲۰۱۳ ده هزار نفر از فعالان ضد سرمایه داری از سرتاسر اروپا در شهر فرانکفورت آلمان به تظاهرات پرداختند. از دو روز قبل در تمام شهر پلیس همه جا مستقر گشته بود. روز جمعه در مقابل فروشگاه های بزرگ و در مقابل بانک ها و مراکز خرید و شرکت ها نیروهای ویژه پلیس پاس می دادند تقریباً شهر پر ازدحام فرانکفورت خلوت بنظر می رسید. گویی حکومت نظامی برقرار است. بسیاری از فروشگاه ها در حالی که هنوز روز کار بود تعطیل کرده بودند. سکوت سنگینی بر فراز شهر حکمفرما بود. یکی از کارکنان بانک می گفت آنها از ریاست خود دستور گرفته اند جمعه را با لباس معمولی سرکار حاضر شوند تا بچشم نیایند. محله ای که همیشه لبالب از توریست بود اکنون خلوت بنظر می رسید. ساعت ۶ و نیم صبح روز جمعه ۳۰۰ نفر از فعالان ضد سرمایه داری با وجود باران شدید بمدت چهار ساعت بانک مرکزی اروپا را بلوکه نموده بودند. نیروهای ویژه پلیس با سگ های پلیس و ماشین آب پاش تلاش داشتند فعالان را متواری سازند.

روز شنبه تعداد پلیس های مستقر در شهر چندین برابر گشته بود همه جا و در تمامی خیابان های مهم پاس می دادند. دوربین های بزرگ در تمامی مراکز نصب شده بود و ماشین های پلیس شاهراه ها را محاصره نموده بودند. هر چه به مرکز بانک های فرانکفورت نزدیکتر می شدی محاصره پلیس تنگ تر می شد چندین هزار نیروی ویژه تا دندان مسلح بمانند رباتر اینجا و آنجا صف کشیده بودند. هلیکوپتر های پلیس روی آسمان شهر می چرخیدند. و ماشین های آب پاش اطراف میدان ویلی برانت مستقر بودند. شهر در وضعیتی ویژه قرار داشت. ایستگاه قطار که قرار بود از آنجا ساعت دوازده ظهر تظاهرات آغاز گردد و در میدام ویلی برانت ختم گردد، راه ها توسط پلیس بسته شده بود. راه

های مترو بسته و پلیس همه عابری را کنترل می کرد. خبرنگاران برای عبور از صف پلیس ها با مشکل روبرو بودند. پلیس ها کاملاً عصبی بودند. پلیس تظاهر کنندگان را که از کشورهای مختلف اروپا مانند اسپانیا، ایتالیا، یونان، فرانسه، پرتغال و دیگر کشورهای اروپا بودند کاملاً محاصره نموده و اگر اعتراضی شنیده می شد آنها با اسپریه فلفل بسوی معترضین حمله می نمودند. به گفته آئی دی سلمن یکی از سازماندهان تظاهرات، پنجشنبه شب پلیس در اتوبان اتوبوس های تظاهرکنندگان که از برلین عازم فرانکفورت بودند را بمدت ۶ ساعت متوقف نموده و سپس آنها را مجبور به بازگشت نموده بود.

شنبه بین ساعت ۱۰ تا ۱۲ ظهر ده ها هزار نفر تظاهر کننده جمع شده بودند. پیر، جوان، کودک، زن و مرد با پرچم ها و لباس های رنگی پر از فانتری شکوه عظیمی را نشان می دادند. مردمی از سر تا سر اروپا از راه نزدیک و دور در کنار هم قرار گرفته بودند. روی پارچه های رنگی نوشته شده بود: بر علیه قدرت بانک ها و حرص برای سود بردن. و یا نه به جنگ نه به فقر نه به استثمار آری به آینده ای بهتر. پرچم های اتحادیه کارگری آلمان وردی و اتحادیه فلز کاران آلمان و همچنین آتاک و حزب چپ بر فراز سر های تظاهر کنندگان در میان باد رقصان بود.

رسانه های خبری و تصویری جهان و اروپا در صحنه در باره این آکسیون بزرگ گزارش می دادند. این تظاهرات عظیم بر علیه سیستم سرمایه داری و بر علیه قدرت تبهکارانه بانک ها و کنسرن ها و... برگزار می گردید. بله در این روز هزاران نفر از سرتا سر آلمان و اروپا تصمیم داشتند در میدان باسلر شهر فرانکفورت جمع شوند تا متحداً نارضایتی خویش را در باره استثمار سیستم سرمایه داری، تقسیم نابرابر از پائین به بالا و بی عدالتی و فقر و بیکاری و بحران و ... به نمایش بگذارند.

ساعت ۱۲ ظهر صف عظیم تظاهرکنندگان براه افتاد. اما ۲۰ دقیقه بعد ۳۰۰ متر آنطرف تر از نقطه شروع صف تظاهرکنندگان متوقف گشت. چه اتفاقی افتاده بود؟ هزاران نیروی مسلح ویژه پلیس با خشونت به صف تظاهرات حمله نموده و صف را از هم جدا نمودند. تظاهرات بلوکه شده بود و طبق گزارش سازماندهان سرتا سر تظاهرات در چندین بخش از هم توسط پلیس جدا شده بود و هیچ حرکتی وجود نداشت. پلیس مانند دیوار تظاهرکنندگان را از هم جدا کرده بودند. چشم در چشم. سینه به سینه. چپ و راست دیوار پلیس های مسلح به باتوم الکتریکی و اسپریه فلفل و سگ های وحشی و تسلیحات کمربندی. در واقع در شکل نوعی کودتا

وزارت کشور به رهبری نیروهای پلیس بصورت خشونت بار قانون اساسی آلمان و احکام دادگاه عالی را یعنی آزادی تجمع و تظاهرات در آلمان را زیر چکمه های پلیس له نمودند. ده ها هزار تظاهرکننده بطوری در محاصره پلیس قرار داشتند که هر گونه اتفاق کوچکی می توانست به فاجعه ای بزرگ تبدیل شود. دو ساعت تمام نیروهای ویژه پلیس چشم در چشم تظاهرکنندگان قرار گرفتند. چشم های خشمگین و نگاه های آتشین پلیس هر لحظه فضا را منتظر فاجعه ای قرار می داد اما خوشبختانه تظاهرکنندگان صبر و تحمل نشان داده و تظاهرات را روحیه ای مسالمت آمیز می بخشیدند. در برابر فعالان چپ روبروهای جنگی بصورت میخ کوب قرار گرفته بودند و نفس ها در سینه ها حبس بود. در تمانی ساختمان های بلند از هر روزنه ای پلیسی با تسلیحات قرار گرفته بود و هلیکوپترها روی هوا در حال چرخیدن بودند. آدم خود بخود به یاد فیلم های کامپیوتری و جنگ رباتها می افتاد. از سرتا سر آلمان هزاران نیروی ویژه پلیس به فرانکفورت فرستاده شده بودند. میانگین سنی پلیس ها بین ۲۰ تا ۴۰ سال بود. هیبتی وحشتناک داشتند. بسیاری از تظاهرکنندگان که بخود اجازه می دادند به شعار های خود پردازند دستگیر شدند. پلیس خواهان این بود که تظاهرکنندگان را بنحوی تحریک کند که از تظاهرات آرام به مبارزه خیابانی کشیده شوند تا بتواند فعالین را سرکوب نمایند اما تظاهرکنندگان به این حقه پلیس آگاه بودند و آرامش خود را حفظ می نمودند. در گوشه ای دیگر نزدیک ۴۰۰ تظاهرکننده که نزدیک میدان محل گردهمایی آخر جمع شده بودند و توسط پلیس از بقیه جدا شده بودند هنرمندان در حال هنرنمایی بودند و مرتبا خطاب به پلیس های جوان می گفتند ما از شمائیم و شما از مائید. صف خویش را ترک کنید و بما بپیوندید ما برای حقوق شما هم فعالیت می کنیم. شما از مردمید پس در مقابل مردم قرار نگیرید. گروهی هنرمند از شهر کلن در شکل موزیک پاپ با همصدائی سائرین خواسته های خود را در غالب آواز های شاد مطرح می نمودند.

به ناگهان سکوت تظاهرات شکسته شد و وضعیت مسالمت آمیز تظاهرات به هم خورد و ماشین های آب پاش پلیس به تظاهرکنندگان حمله ور شد. پلیس به پیر و جوان و کودک بی دفاع حمله ور گردید و گاز اشک آور بسوی مردم بی دفاع پرتاب نمود و با چکمه های خویش آنها را مورد ضرب و شتم قرار داد.

آکسل کولر ۶۸ ساله اقتصاد دان که در این تظاهرات شرکت داشت از آنچه که دیده است برای دوستانش گزارشی نوشته است وی می گوید: " من

و همسر و دوست دختر مشترکمان که دست هایمان را بهم زنجیر کرده بودیم با کمال خشونت از یکدیگر جدایمان کردند. بطوری که دیگر برای مدتی آنها را پیدا نکردم. خشونتی بکار گرفته می شد که در تمام زندگیم ندیده بودم. همچنین وی تعریف می کند که پلیس جوانی که می دید چگونه پلیس ها گاز های فلفل بمیان جمعیت پرتاب می کنند، فریاد زد: " اینطوری نمی شود افراد پیر بین جمعیت هستند. پلیس دیگری همسرم کریستینه را نجات داده بود. به این صورت که همسرم را پشت خودش مخفی کرده بود تا گاز شیمیائی که همکارانش بکار می گیرند به او آسیب نزنند و به همکارانش بد و بیراه می گفت که چه می کنید زنان و کودکان و افراد پیر در اینجا هستند سلامتی اینها به خطر می افتد". من خودم را از میان دنیائی دود و گاز نجات دادم روی علف های کنار خیابان دراز کشیدم تا نفسم درآید. در این زمان بود که مثل معجزه همسر و دوستش هم خودشان را بمن رساندند. آنها هم در اثر گاز شیمیائی قادر به تنفس نبودند و حالشان بد بود. بسیاری زخمی شده بودند و دوستانشان آنها را حمل می کردند و یا پلیس آنها را می کشید روی زمین. جوان و پیر صورتی باد کرده و چشمانی متورم داشتند و با تمام پیکر می لرزیدند. کسی حتی در تصور خود فکر نمی کرد این صحنه ها را تجربه کند. پلیس با باتوم های شوک انگیز همه را بباد کتک گرفته بود و هر کسی را که می توانست مورد حمله قرار می داد. همه از شدت سرفه نفس هایشان بند آمده بود بسیاری حالشان اصلا خوب نبود. آمبولانسی وجود نداشت که به زخمی ها رسیدگی کند پلیس ها تمام منطقه را محاصره و بلوکه کرده بودند و پرنده را راه به جمعیت نبود. زخمی ها که تعدادشان همواره بیشتر می شد می بایست خودشان خود را نجات دهند و یا دیگر تظاهرکنندگان بداد آنها برسند. از این رو تظاهرکنندگان زخمی ها را به عقب تظاهرات از بین جمعیت حمل می کردند. قدرت آب پاش های پلیس آنقدر زیاد بود که این کار با سختی انجام می شد. تعدادی پزشک در میان تظاهرکنندگان وجود داشت که آنها به سایرین کمک های پزشکی می دادند. در جلوی تظاهرات درگیری بین پلیس ها و جمعیت بالا گرفته بود. پلیس ها همه را با چکمه های وحشتناک خود زیر لگد گرفته بودند. یکی از روباتر های پلیس که در مقابل من قرار داشت وقتی دید من به سایرین کمک می کنم بمن گفت پوزه ات را داغون می کنم اگر سر جایت نیاستی. آنقدر گاز سمی پرتاب می شد که مقابله با آن غیر ممکن بود. گویا می خواستند همه را بیهوش کنند. تظاهرکنندگان می دانستند اگر مقابله به مثل کنند فاجعه ای رخ خواهد داد که جبران ناپذیر است به این خاطر تحمل می کردند. از ساعت ۲ بعد از ظهر روز شنبه تا ساعت ۸ شب وضع به همین صورت ادامه داشت. هیچ

چیزی نمی توانست نیروهای ویژه را از کارشان باز دارد. گوئی نمی خواستند به این وضع پایانی دهند تا همه پی کار خود روند و زخمی ها به بیمارستان منتقل شوند. تعداد بسیار زیادی از صف تظاهرکنندگان دستگیر شده و توسط ماشین های پلیس برده شدند. تمامی اتفاقاتی که در حال رخ دادن بودند در واقع تمامی قوانین آلمان را خدجه دار می کرد. هزاران نفر تظاهرکننده تا تاریکی شب این وضعیت را تحمل کردند و در تاریکی باز هم بسیاری دستگیر شدند. اما خوشبختانه تظاهرات (بلوک اوکی) ۳۱ ماه مه در فرانکفورت اتحاد صف خود را حفظ نمود و با تمامی تعقیب و زخمی شدن و دستگیری تا به انتها وظیفه خویش را انجام داده و در مقابل خشونت های پلیس تحمل و مقاومت نمود و بالاخره این روز بعنوان روز سیاهی در تاریخ دولت آلمان ثبت گردید.

دولتی که در سایه برج و باروی بانکها و کنسرن های بزرگ قرار دارد. قدرتمندان و رهبرانی که از آلمان در کشورهایی مانند ترکیه و آلمان و ایتالیا و اسپانیا و ایرلند مدتهای طولانی است نشان داده اند که تا چه جاهائی پیش خواهند رفت و چه کارهایی از آنها برمی آید. سود و سرمایه داری به همراه دارائی ثروتمندان بزرگ قادر است آنچهان خشونتی را بکار گیرد که هر قانون اساسی را به تباهی و سیاهی بکشاند و زیر چکمه های نیروهای ویژه اش پایمال نماید. در این روز هم حق بیان و آزادی تجمع و اعتراض در آلمان زیر چکمه های نیروهای ویژه دولت آلمان نابود شد و این در تاریخ این کشور بعنوان نقطه ای سیاه تا ابد حک خواهد شد.

گزارش هیئت رئیسه پنجمین گردهمایی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

۱۷ تا ۲۰ مه ۲۰۱۳ - در شهر هانوفر آلمان

گردهمایی پنجم جمهوری خواهان دمکرات و لائیک در روزهای ۱۸ و ۱۹

پنجمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران ۱۷ طی روزهای ۱۷ و ۱۸ مه ۲۰۱۳، برابر با ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲، در شهر هانور آلمان برگزار شد. گزارش زیر توسط هیئت رئیسه گردهمایی بر پایه یادداشت های اعضای این هیات و گزارش های منتشر شده، تهیه و تدوین شده است و بدین وسیله توسط شورای هماهنگی جنبش ج دل منتشر می شود.

سمینار عمومی روز ۱۷ مه با حضور ۱۲ جریان سیاسی جمهوری خواه

روز نخست ۱۷ مه به برگزاری دو میز گرد اوضاع سیاسی، انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ و گذار از جمهوری اسلامی و میز گرد همگرایی جمهوری خواهان با حضور حدود ۱۰۰ تن از فعالان سیاسی اختصاص داشت. در این میزگردها، سیزده سخنران از ۱۲ جریان سیاسی از جمله نمایندگان رسمی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران (اکبر سیف و مهرداد درویش پور)، جبهه ملی ایران در اروپا (کمال ارس)، مجامع اسلامی ایرانیان (علی صدارت)، اتحاد جمهوری خواهان ایران (مسعود فتحی)، اتحاد برای پیشبرد سکولار دمکراسی در ایران (پرویز مختاری)، سازمان جمهوری خواهان ایران (بیژن حکمت)، حزب دمکرات کردستان ایران (عبدارضا کریمی)، حزب کومله ایران (محمد مصری)، شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران (مجید زربخش)، اتحاد فدائیان ایران (نادر عصاره)، اتحاد فدائیان خلق ایران- اکثریت (علی پورنقوی) در میزگردها شرکت داشتند. در میزگرد نخست رضا علیجانی از طیف ملی- مذهبی نیز به صفت شخصی شرکت داشت.

در ابتدای برنامه روز اول ناهید جعفرپور، از اعضای شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران ضمن خوشامدگویی به شرکت کنندگان در این گردهمایی و اعلام یک دقیقه سکوت به یاد زندانیان سیاسی در بند و جان باختگان راه آزادی، جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران را به عنوان نیرویی که در پی گذار از جمهوری اسلامی به نظامی دمکرات و لائیک است، یک جنبش تثبیت شده خواند. در پایان ناهید جعفر پور اضافه کرد که از تعدادی از فعالان جنبش زنان برای شرکت در میزگردها دعوت شده بود که متاسفانه به دلیل تلاقی آن با دیگر کنفرانس ها امکان حضور نیافتند.

سپس فردوس میرآبادی از سوی واحد هانور جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران و کارگاه ایرانیان در هانور، تبجا، که

مسئولیت برگزاری گردهمایی در محل را برعهده داشت، ضمن خوش آمدگویی، مبانی پایه ای جنبش "جدل" را مورد تاکید قرار داد.

میزگرد اوضاع سیاسی، انتخابات و گذر از جمهوری اسلامی

رضا علیجانی از طیف ملی مذهبی، اکبر سیف از جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران، عبدالرضا کریمی از حزب دمکرات کردستان ایران، نادر عصاره از سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، محمد مصری از حزب کومله و علی پورنقوی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، شرکت کنندگان نخستین میزگرد با موضوع انتخابات ریاست جمهوری، اوضاع سیاسی و اجتماعی در ایران و راهکارهای گذر از جمهوری اسلامی بودند. این میزگرد با صحبت های شیدان وثیق، گرداننده میزگرد آغاز شد. او گفت: پرسش ما در این میزگرد این است که افراد حاضر در این میزگرد آیا انتخابات را تحریم می کنند یا در آن شرکت خواهند داشت؟ چرا تحریم یا چرا شرکت؟ موضع اپوزیسیون در این باره چه باید باشد؟ آیا اختلافات درون حاکمیت به تضعیف آن خواهد انجامید؟

رضا علیجانی، فعال ملی - مذهبی گفت: اگر یک کانیدیدا به مشی آگاهی بخشی در جامعه و به روند دمکراتیک شدن آن کمک کند؛ من از او حمایت خواهم کرد. اگر کانیدیدایی باشد که یک مقدار فضای اجتماعی ایجاد کند ما چه با دستکش برویم به او رای بدهیم چه با دسته گل فرقی نمی کند. استراتژی ناموسی نیست و انتخابات هم پایان تاریخ نیست.

اکبر سیف، دیگر از جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران گفت: در یک انتخاباتی که به آن ترتیب برگزار می شود و دست کم چهار نفر از کانیدیداهای آنها تحت تعقیب بین المللی هستند من به عنوان یک شهروند نمی توانم شرکت کنم. او اشاره کرد جمهوری خواهان دمکرات و لائیک دست رد به این انتخابات می زنند.

نادر عصاره، از سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در ادامه این میزگرد تاکید کرد این انتخابات، انتخاباتی نیست که در رابطه با حق حاکمیت مردم باشد. او با تاکید بر اینکه جمهوری خواهان تلاش می کنند صدای مشترکشان را بلند کنند گفت: این موضع نباید طوری باشد که به انشقاق درون جمهوری خواهان منجر شود.

علی پورنقوی، از سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت - هم در صحبت های خود گفت موضوع رای دادن به هاشمی برای من نیز منتفی نیست. من

حرفم این است در جریان آنچه که در یک ماه آینده اتفاقا خواهد افتاد پیشاپیش نه شرکت در انتخابات را تبلیغ کنیم و نه تحریم آن را. بلکه مناسباتی را که جامعه با کاندیدها اتخاذ می کند به صورت دقیق رصد کنیم.

عبدالرضا کریمی، از حزب دمکرات کردستان ایران سخنران بعدی بود و تاکید کرد موضع او و حزیش عدم شرکت و تحریم این انتخابات می باشد و بهتر است به جای پرداخت به حکومت، به آنالیز اپوزیسیون پرداخت و راه چاره ای برای دسترسی به اهداف خود جستجو کند. آخرین سخنران این میزگرد محمد مصری، عضو حزب کومله کردستان ایران بود که تاکید کرد حزب کومله نیز این انتخابات را هم تحریم خواهد کرد و مردم کرد نمی توانند به قاتلین خود رای دهند.

میز گرد همگرایی جمهوری خواهان ایران

میزگرد دوم سمینار روز اول با مدیریت رسول آذرنوش و با حضور مهرداد درویش پور از جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران، کمال ارس از جبهه ملی ایران در اروپا، بیژن حکمت از سازمان جمهوری خواهان ایران، مجید زربخش از شورای موقت سوسیالیست های ایران، علی صدارت از مجامع اسلامی ایرانیان در خارج از کشور، مسعود فتحی از اتحاد جمهوری خواهان ایران و پرویز مختاری از اتحاد برای پیشبرد سکولاردمکراسی در ایران، با موضوع بررسی زمینه ها و موانع همگرایی جمهوری خواهان ایران برگزار شد.

ابتدا مهرداد درویش پور، عضو شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران در پاسخ به پرسش رسول آذرنوش درباره تاریخچه تلاش برای همگرایی جمهوری خواهان در جنبش جدل و زمینه ها و موانع آن گفت: ما برپایه قرار گردهمایی موسس، در صدد برآمدیم همگرایی بین گروه هایی که به جمهوری اسلامی نه می گویند را سازمان دهیم. مدت ها بعد ابتکار همکاری ۹ گروه جمهوری خواه را پی ریختیم. از آنجا که در زمینه استراتژی، این گروه ها بسیار متفاوت بودند، حوزه این همکاری ها از فعالیت در زمینه حقوق بشر فراتر نرفت. در دور دوم اما ابتکار دیگر را با ترکیب دیگری آغاز کردیم تا بر اساس آن جریان های با هویت جمهوری خواهی مساله همگرایی را به طور جدی تر و نه فقط در حوزه مسائل مرتبط با حقوق بشر دنبال کنند و علاوه بر این در پی آنیم با دیگر گروه جمهوری خواه کنفرانس های بزرگ جمهوری خواهی را سازمان بدهیم

بیژن حکمت، از مسئولان سازمان جمهوری خواهان ایران و از دیگر سخنرانان این میزگرد از ضرورت ایجاد یک سازمان جمهوری خواهی برای شکل بخشیدن به پروژه همگرایی جمهوری خواهان سخن گفت. او تشکیل سازمان واحد جمهوری خواهان را در گرو پیشبرد مدل های جدیدی از سازمانیابی دانست که بر پایه تشکیل انجمن های شهری جمهوری خواهی استوار باشد که بیشتر برای کف مطالبات جمهوری خواهان در خارج از کشور به بسیج مبارزه می پردازد.

علی صدارت از مجامع اسلامی ایرانیان و از دیگر سخنرانان این میزگرد تاکید کرد علاوه بر لائیسیته می بایست بر ضرورت عبور از نظام و تکیه بر حفظ استقلال و یکپارچگی کشور و مرزبندی با بدیل سازی توسط قدرت های بیگانه و مداخله خارجی تاکید کرد و آنها را خط قرمزهایی برای همکاری خواند. کمال ارس، از جبهه ملی ایران در اروپا با اشاره به تجربه همکاری ۹ سازمان جمهوری خواه که از نظر او تجربه مثبتی نبوده است سخن گفت. او اضافه کرد مساله همگرایی با آن بخش از اپوزیسیون جمهوری اسلامی که موضع صریح در برابر حکومت ندارند برای ما مطرح نیست.

پرویز مختاری، از اتحاد برای پیشبرد سکولار دمکراسی در ایران گفت: تشکیل دو جریان جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران و اتحاد جمهوری خواهان ایران در یک دهه پیش در شرایط موجود نوعی بدعت به شمار می آمد. تشکل های سیاسی در ایران عمدتاً یا شخصیت محور بودند یا ایدئولوژی محور. اما این دو سازمان نه شخصیت محور بودند نه ایدئولوژی محور. اما گام های دیگر در جهت سازمان دادن فعالیت های دمکراتیک برداشته نشد و کار به اعلامیه دادن خلاصه شد.

مسعود فتحی، از مسئولان اتحاد جمهوری خواهان ایران در ادامه این میزگرد گفت اتحاد جمهوری خواهان ایران هدفش را تغییر بنیادین ساختار سیاسی در ایران قرار داده است. همه ما بر گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی تاکید داریم و البته این به معنای شکستن و درهم کوبیدن آن نیست و همگرایی جمهوری خواهان را برغم تفاوت ها و موانع امکان پذیر دانست.

مجید زربخش، از اعضای شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران مساله قومی و ملی دلیل را یکی از دلایل مهم پراکندگی در میان گروه های جمهوری خواه ایران دانست که در درون اپوزیسیون بدون پاسخ مانده، تا جایی که به گفته او این گروه ها به دلیل این مشکل بزرگ حتی نتوانسته اند با گروه های دمکرات کردستان و کومله به توافق های

لازم برسند. او افزود کسانی که آمیختگی دین و دولت را به اشکال مختلف توجیه می کنند طبعاً امکان همکاری در چارچوب یک سازمان با آنها ناممکن است. همچنین کسانی که توجیه گر دخالت خارجی به اشکال مختلف هستند طبعاً با کسانی که در اندیشه استقلال ایران هستند نمی توانند همگرایی داشته باشند.

گردهمایی سراسری پنجم جمهوری خواهان دمکرات و لائیک در روزهای ۱۸ و ۱۹ مه



انتخاب هیئت رئیسه و تصویب برنامه کار گردهمایی

روزهای شنبه و یکشنبه ۱۸ و ۱۹ مه گردهمایی پنجم جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران با یادی از زندانیان سیاسی در بند و جان باختگان راه آزادی رسماً آغاز به کار کرد. در روز اول پس از انتخاب هیئت رئیسه گردهمایی (متشکل از مهرداد درویش پور، اکبر سیف و انور میرستاری) و مبنا قراردادن آئین نامه گردهمایی پیشین "جدل" به عنوان مبنای کار، برنامه کار روزهای شنبه و یکشنبه تصویب شد. نخست به دعوت هیئت رئیسه، عباس عاقلی زاده، از مبارزان پرسابقه و از قدیمی ترین همراهان جنبش جدل، ضمن خیرمقدم به حاضران، سخنانی در توضیح مواضع جنبش جدل و ضرورت تداوم راه آن ایراد کرد.

برنامه کار گردهمایی در این دو روز به این ترتیب پیش رفت که نخست مسئولان گروه های ارائه کننده اسناد پیشنهادی برای گردهمایی، توضیحاتی درباره این اسناد دادند. شیدان وثیق درباره بیانیه سیاسی، رسول آذرنوش درباره منشور سیاسی، مهرداد درویش پور درباره طرح همگرایی و اصغر اسلامی درباره اصلاح سند ساختار توضیحاتی دادند. پس از چند دور بحث در باره این چهار سند، کمیسیون های چهار گانه ای برای نهایی کردن این اسناد با توجه به پیشنهادات تشکیل شد و پس از گزارش کار مسئولان کمیسیون ها درباره اصلاحات وارد شده و ارائه متن نهایی، دور دیگری از بحث در باره اسناد نهایی و پاره ای از بندهای پیشنهادی صورت گرفت و در پی آن درباره اسناد رای گیری شد.

تصویب اسناد

سند بیانیه سیاسی پس از اصلاحات وارده در کلیت خود با ۹۳ درصد رای

مثبت شرکت کنندگان تصویب شد.

سند منشور سیاسی نیز پس از اصلاحات نهایی در کلیت خود با ۷۴ درصد رای مثبت تصویب شد.

سند همگرایی جمهوری خواهان نیز پس از اصلاحات نهایی و افزوده شدن پیشنهاداتی در آن در کلیت خود، با نزدیک به ۷۰ درصد رای مثبت شرکت کنندگان تصویب شد.

سند ساختار نیز با اصلاحات نهایی در کلیت خود با ۸۶ درصد رای مثبت شرکت کنندگان تصویب شد.

لازم به تذکر است که تغییرات در سند ساختار و منشور سیاسی بنا بر اساسنامه نیازمند رای مثبت بیش از ۶۰ درصد همراهان شرکت کننده در گردهمایی بود و دیگر اسناد با اکثریت نسبی قابل تصویب بودند.

برخی از فرازهای این اسناد که جداگانه در باره آنها نیز گفتگوهای مفصل و رای گیری شد از این قرارند:

بیانیه سیاسی

در بیانیه سیاسی پیشنهادی به گردهمایی بر ضرورت تحریم انتخابات پیش رو توسط جمهوری خواهان دمکرات و لائیک تاکید شده بود. دیدگاه دیگری در مقابل از عدم شرکت در انتخابات سخن می گفت. در نهایت پیشنهاد تحریم انتخابات به تصویب رسید. پیشنهاداتی نیز در راستای تاکید بیشتر بر مبارزه مسالمت آمیز ارائه شد. اما فرمول بندی پیشنهادی آمده در بیانیه سیاسی به همان صورت تصویب شد: "خواست ما این است که این نظام بیدادگر به شیوهی مسالمت آمیز برچیده شود و ما برای آن مبارزه می کنیم؛ هرچند که کارنامه خشونت بار آن از وجود چنین ظرفیتی حکایت نمی کند. ما از شکل های گوناگون جنبش های اعتراضی مردم علیه بیدادگری و ستم حمایت می کنیم و بر این باوریم که در نهایت، شکل گذار را قدرت حاکم به جنبش مردم تحمیل می کند. قیام علیه جباریت، حق مردم است."

در قسمت مخالفت با سیاست های هسته ای رژیم و حمله نظامی در بیانیه سیاسی، پیشنهاد حمایت از تحریم های هدفمند سازمان ملل رای نیارورد و به جای آن پیشنهاد زیر تصویب شد:

تاکنون در جمهوری اسلامی اکثر قدرتهای بزرگ مالی و نظامی دنیا فعالیت های اقتصادی داشته اند و به خصوص این نظام با تکیه بر آنها

مبارزات به حق مردم را با مجهز شدن به ابزارهای مدرن سرکوب کرده است. اختلاف ما و مردم با جمهوری اسلامی از نوع اختلاف قدرتهای بزرگ جهانی با نظام نیست. از این رو ما ضمن مخالفت با دخالت سیاسی و نظامی کشورهای خارجی در امور داخلی ایران مخالفت خود را با غنی سازی اورانیوم و ساخت سلاحهای کشتارجمعی (اتمی شیمیائی و میکروبی) در ایران و جهان اعلام می داریم.

منشور سیاسی

در سند منشورسیاسی که با الهام ازسند سیاسی مصوبه نخستین گردهمائی سراسری جنبش جدل تنظیم شده و برای به روز کردن مبانی پایه ای جدل علاوه برموارد پیشین نکات جدیدی نیز اضافه شده بود. از جمله در ارتباط با مبارزه برای رفع تبعیض اتنیکی در کشور بند زیر تصویب شد:

پایبندی به زدودن ستم ها، نابرابری ها و تبعیض های قومی، فرهنگی و زبانی. توزیع بایسته و عادلانه ثروت های ملی برای رفع محرومیّت های دیرپای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اداری در راه دستیابی به رشدی موزون و پایدار در کشور، سپردن تصمیم گیری ها در امور محلی و منطقه ای به نهادهای منتخب ساکنان، عدم به کارگیری قهر و خشونت در حل مسائل ملی- قومی و گشودن مباحثه ای ملی برای تعیین شکل و چارچوب مطلوب همزیستی مسالمت آمیز در سراسر کشور (خودمختاری، فدرالیسم، انجمن های ایالتی و ولایتی ...)، پذیرش و دفاع از مفاد اعلامیّه حقوق اشخاص متعلق به اقلیّت های ملی یا قومی، دینی و زبانی (۱۸ دسامبر ۱۹۹۲).

همچنین دراین منشور بند مربوط به پاسداری از محیط زیست و صیانت از منابع طبیعی و کاهش آلودگی ها به عنوان شرط و معیار بهزیستی و رشد پایدار، هواداری از جایگزینی منابع انرژی و تولید حامل های انرژی پایدار به جای حامل های فسیلی تصویب شد. در مورد مسئله بهبود موقعیت زنان نیز بند زیر تصویب گردید:

تلاش در راه دستیابی به برابری زنان و مردان و حقوق برابر آنان در همه عرصه های زندگی اجتماعی به ویژه در نهادهای سیاسی، اجرائی و قانونگذاری با خلق فرصت های ویژه از جمله سهمیه بندی.

بند مربوط به پاسداری و مراقبت از میراث های تاریخی و فرهنگی که ثمره تلاش ها و خلاقیت های مشترک مردمان ایرانند و امروز بار دیگر در معرض تعرض و تخریب و تحریف زمامداران متعصب قرار گرفته اند

نیز به تصویب رسید.

همگرایی جمهوری خواهان

در طرح همگرایی و اتحاد عمل جمهوری خواهان که به تصویب گردهمایی رسید نخست به ضرورت ایجاد بلوک نیرومندی از گروه های متنوع اپوزیسیون جمهوری خواه با پیشینه و افق های فکری و سیاسی گوناگون که می تواند "در تقویت راه حل دمکراتیک که خواستار گذار مسالمت آمیز از استبداد دینی حاکم به نظامی جمهوری مبتنی بر جدایی دین و دولت است، نقش موثری ایفا کند"، اشاره شده است. در این طرح آمده است "برای بررسی چگونگی امکان برون رفت از وضعیت کنونی، پایان بخشیدن به استبداد دینی حاکم و گذار به دمکراسی در ایران، و بررسی زمینه ها و موانع همگرایی جمهوری خواهان، می بایست برای برگزاری کنفرانس های بزرگ پی در پی جمهوری خواهان گام برداشت". این سند تاکید بر آن دارد که "حضور هرچه بیشتر گرایشات متنوع جمهوری خواه در این کنفرانس ها، در گرو آن است که عام ترین پایه های موازین جمهوری خواهان - جمهوری، دمکراسی و جدایی دین و دولت از یکدیگر بر پایه موازین جهانی حقوق بشر - کار پایه این گردهمایی ها باشد. کم ترین هدف این پروژه می تواند سازماندهی دیالوگ سالم بین گرایشات گوناگون جمهوری خواهی باشد و در بهترین حالت می تواند به ابزار همگرایی و نزدیکی بیشتر جمهوری خواهان و یا بخش های بزرگ تری از آن بدل شود".

پیشنهادات الف و ب زیر نیز پس از تصویب، به این طرح افزوده شدند.

الف: در این راستا مدتی است به ابتکار جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران دیالوگ های سازنده و گسترده ای میان ما و اتحاد جمهوری خواهان ایران، اتحاد برای پیشبرد سکولار دمکراسی در ایران و همچنین سازمان جمهوری خواهان ایران جریان داشته است.

ب: پیشرفت این پروژه و سازماندهی کنفرانس های پی در پی و بزرگ جمهوری خواهان در گرو آن است که از تعداد هر چه بیشتر نیروهای جمهوری خواه برای شرکت در این کنفرانس ها دعوت به عمل آورد تا این دیالوگ ها و همکاری ها بتواند اثر و بازتاب اجتماعی درخوری در سطح کل جامعه ایران داشته باشد. گردهمایی پنجم پیشنهاد می کند هیئت های نمایندگی از این جریان های جمهوری خواه تشکیل شوند تا گفتگوها و همکاری های فشرده تری در راستای تلاش برای دسترسی به اهداف فوق سازمان یابد.

سند ساختار نیز با ایجاد تغییراتی در ساختار تشکیلاتی جدل تلاش کرد فعالیت های خود را بهبود دهد که مهمترین آن طرح مربوط به تغییر تعداد اعضای منتخب شورای هماهنگی بود که جمع ۵ نفره شورای هماهنگی به تصویب رسید. در عین حال شورای هماهنگی منتخب گردهمایی با نمایندگان واحدهای محلی تکمیل خواهد شد.

پیام های احزاب جمهوری خواه و انتخاب شورای هماهنگی جدید

در گردهمایی پنجم پیام های کتبی و شفاهی همبستگی از سوی ۱۰ جریان جمهوری خواه و یا نمایندگان نشان همچون جبهه ملی ایران در اروپا، سازمان جمهوریخواهان ایران، اتحاد برای پیش برد سکولار دموکراسی در ایران، اتحاد جمهوری خواهان ایران، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب کومله ایران، مجامع اسلامی ایرانیان در خارج از کشور، سازمان فدائیان ایران اکثریت، اتحاد فدائیان خلق ایران و شورای موقت سوسیالیست های به گردهمایی پنجم ارسال و یا خوانده شد. علاوه بر آن این میهمانان به صورت فعال در بحث های گردهمایی شرکت داشته و پیشنهادهای در باره موضوعات مورد بحث ارائه کردند.

در پایان شورای هماهنگی پنج نفره ای انتخاب شد که فعالیت های جنبش جدل را طی دو سال آینده را هماهنگ کند. اعضای این شورا عبارتند از اکبر سیف، ناهید جعفر پور، احسان دهکردی، فردوس میر آبادی و هرمز هوشمند. این شورا قرار است با افزودن نمایندگان از واحدهای محلی تکمیل شوند.

این گردهمایی بازتاب گسترده ای در سایت های ایرانی و رسانه های بین المللی فارسی زبان همچون صدای آمریکا، رادیو فردا، سایت رادیو زمانه، تلویزیون اندیشه و دهها سایت فارسی زبان داشت. ویدیوی کامل دو میز گرد سمینار روز اول درباره اوضاع سیاسی، انتخابات و گذر از جمهوری اسلامی و طرح همگرایی را می توان در لینک های زیر مشاهده کرد. همچنین متن کامل اسناد مصوبه گردهمایی، پیام های احزاب و همچنین دیگر گزارشات از این گردهمایی در سایت ندای آزادی منتشر شده است.

<http://www.jjdli.com/fa/>

<http://www.youtube.com/watch?v=enKxkntbNkI>

<http://www.youtube.com/watch?v=6fhNxNQqfro>

http://www.youtube.com/watch?v=PIUoqzcw_C4

هیئت ریسه پنجمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوری خواهان دمکرات و
لائیک ایران

دوم ژوئن ۲۰۱۳

پیام حزب دمکرات کردستان ایران

به پنجمین گردهمایی جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

دوستان گرامی شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک
ایران

درودهای صمیمانه ما را پذیرا باشید و آرزومندیم که گردهمایی
پربار و نتایج آن موثر و در امر مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی
ایران و تحقق دمکراسی در کشورمان تاثیرگذار باشد.

دوستان گرامی

این گردهمایی در شرایطی برگزار می گردد که تحولات چشمگیری در برخی
از کشورهای منطقه به وجود آمده و در برخی از کشورها نیز در حال
شکل گیری است. طبیعی است که در جهان امروزی همه این تحولات،
مستقیم یا غیرمستقیم بر اوضاع کشور ما و نیز مبارزه آزادی
خواهانه مردم ایران تاثیرگذار بوده و در تغییر شرایط مبارزاتی
موثر واقع می گردد. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی ایران با سیاست
های نادرست و یکسونگر چه در داخل و چه در عرصه جهانی کشورمان را
با وضع ویژه ای مواجه ساخته است. بی برنامهگی اقتصادی، چنگ اندازی
بر منابع و ثروت های کشور از سوی رهبران و نهادهای سرکوبگر و سوء
استفاده های کلان و فساد مالی شمار هرچه بیشتری از مردم کشور را
به خط فقر نزدیک تر کرده است. و این در حالی است که عواقب ناشی
از تحریم های اقتصادی علیه رژیم مزید بر چنین وضعی گردیده است.

در عرصه جهانی با پایداری کردن گسترده حقوق بشر و افزایش میزان
اعدام ها، دستگیری ها و شکنجه ها در ایران، دخالت و تخریب در
دیگر کشورها و نیز اصرار بر ادامه فعالیت های هسته ای نگران

کننده، در شرایط نا مناسب بین المللی قرار گرفته است.

با توجه به این حقایق جای تاسف اینکه هنوز برخی از اپوزیسیون دل به اصلاح رژیم در درون رژیم بسته اند و اقدام به توهم پراکنی در این راستا می نمایند که گویا در جمهوری اسلامی امکان اصلاح و تغییر به سود آزادی و رعایت حقوق بشر وجود دارد. یا با انکار واقعیت ها سعی در نادیده گرفتن حقایقی دارند که از ویژگی های انکار ناپذیر کشورمان هستند. تردیدی نیست که تنها برنامه ای می تواند اکثریت مردم ایران را حول خود گرد آورد که متضمن دمکراسی، حقوق بشر، جدایی دین از حکومت، تحقق حقوق ملیت ها و برابری زن و مرد و مبتنی بر حقوق بشر باشد و ایران را متعلق به همه ایرانیان بداند.

ما امیدواریم که شرکت کنندگان در این گردهمایی با وسع دید و درک درستی از واقعیت ها به همه مسائل مربوط به کشورمان پرداخته و تصمیمان واقع بینانه ای را در زمینه های مختلف اتخاذ نمایند. و با استناد به این واقعیت ها در راستای رفع پراکندگی نیروهای اپوزیسیون ایرانی و نیل به یک ائتلاف هرچه وسیع تر که از ضروریات مبارزه و پیروزی بر رژیم واپسگرای جمهوری اسلامی ایران است، گام موثر و تلاش شایسته ای معمول دارد. در این فرصت تاکید می کنیم که باورمند به همکاری در امر مبارزاتی هستیم.

با آرزوی موفقیت و پیروزی در مبارزه مان که همانا سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است.

حزب دموکرات کوردستان ایران (کومیتة آلمان)

۲۰۱۳.۰۵.۱۷

بیست و سومین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد - ژنو

نشست دوم جانبی درباره ایران - مه ۲۰۱۳

سخنرانی مهرداد درویش پور، شهین نوایی، کاظم کردوانی و حسن طالبی
در این نشست

فیلم سخنرانی مهرداد درویش پور

https://www.youtube.com/watch?v=d3jv_DamUH4

فیلم سخنرانی شهین نوایی

<https://www.youtube.com/watch?v=IB5uLRu2G50>

فیلم سخنرانی کاظم کردوانی

<https://www.youtube.com/watch?v=aR1QrGd39ek>


فیلم سخنرانی حسن طالبی

<https://www.youtube.com/watch?v=BiYKc0hsxkw>

شبه انتقاد

دوستان عزیز این متن بدست من نرسید. چون منم مایل بودم امضا
کنم. برای همه شما ارزوی تندرستی میکنم

وضعیت و دورنمای اصلاح طلبان در پرتو رفتار و رویکرد حاکمیت

پایا راستگونیا 

با وجود این هزینه ها و مرز بندی هاست که باید پذیرفت دیگر بعید

به نظر می‌رسد بتوان امکان بازگشتی را برای جریان و افراد و گروه‌های عمده و اصلی اصلاح طلب به عرصه رقابت سیاسی در محدود نظامی در حال انقباض مستمر، متصور شد.

وضعیت و دورنمای اصلاح طلبی:

آن بخش از نیروهای منتقد حاکمیت که تحت عنوان نیروهای اصلاح طلبان در عرصه سیاسی ایران شناخته می‌شوند، امروز در چه شرایطی قرار دارند؟ چه دورنمایی را می‌توان برای آنها تصور نمود؟ در حالیکه که بخش عمده‌ای از آنها همچنان، رهیافت خویش را برای گذار از شرایط فعلی تغییراتی در چهارچوب نظام فعلی و با التزام به حفظ و استمرار نظام حاضر می‌دانند و با عمده ساختن همین رهیافت نیز خود را از بخشهای دیگر اپوزیسیون که برانداز یا انحلال طلب محسوب می‌شوند جدا کرده و متمایز می‌دانند. این بخش اخیر نیز این تفاوت رویکرد و مرز بندی را می‌پذیرد.

معیاری مهم در ارزیابی وضع:

اما نکته‌ای که در ارزیابی موقعیت و وضع نیروها و افراد اصلاح طلب یا دست کم چهره‌ها و نیروهای عمده و کلیدی آن، فراتر از رهیافتی که به خود منسوب می‌دانند، باید در نظر آورد این است که در نگاه و ارزیابی حاکمیت یا اصولگرایان حاکم اساساً نیروهای اصلاح طلب چه جایگاهی دارند؟ بر مبنای این جایگاه و دیدگاه، حاکمیت چه رفتاری را در قبال آنها در پیش گرفته است و به احتمال قوی ادامه خواهد داد؟

اهمیت این موضوع به نظر از تأکیدی که خود اصلاح طلبان بر روش و منش و رهیافت خویش دارند و هیاهویی که در دفاع یا رد این روش بین آنها با حاکمیت و نیز با دیگر بخش یا بخشهای اپوزیسیون جریان دارد مهمتر به نظر می‌رسد. چرا که طبعاً نوع نگاه حاکمیت و جایگاهی که اصلاح طلبان بدین لحاظ در نظر آنها پیدا می‌کنند متناظر خواهد بود با ابزار و امکاناتی که اصلاح طلبان به واقع در راستای روش و منش خویش در اختیار دارند. توفیق در روش اصلاح طلبی ملازم است با داشتن امکان و ابزارهایی که با این روشها در تطابق قرار گیرد والا صرف تأکید بر روش و نوع نگاه و مرزبندی‌هایی که در این زمینه در نظر گرفته می‌شود، بدون توجه به ابزارهای ممکن که به وجهی عمده در تلازم است با نگاه حاکمیت به آنها، صرفاً در حد شعارها و تئوری پردازی‌ها یا تلاشهای بی‌حاصل باقی خواهد ماند.

رویکردی یکسان در تاریخ این حکومت:

حکومت اسلامی در طول حیات خویش در چندین نوبت عناصری را از درون عرصه و فضای رقابت و چانه زنی قدرت یا از درون ساخت و بافت سیاسی، با زور و تحکم و با اقدامات گوناگون به بیرون از این عرصه رانده است. چنانچه تاریخچه اینگونه تحولات را در این حکومت در قبال منتقدان و معترضان آن در نظر آوریم، این نکته شایان توجه و تعمق است که نیروهایی که از سوی حاکمیت خودکامه و خودشیفته طرد شده و از میدان رانده شده اند دیگر نتوانسته اند به رقابت در درون ساختار بازگردند، یعنی امکان بازگشت به کلی از آنها صلب گردیده است. همواره دایره محارم قدرت مطلقه محدودتر از پیش گردیده، و از این نظر یک وضعیت حذف و ریزش و انقباض متداوم در رابطه با تنوع و تکثر باورها و رویکردها در درون ساختار سیاسی وجود داشته است. این روند، هم از آغاز روی کار آمدن نظام کنونی روندی معمول شاید با وقفه هایی چند در این بین بوده است. در اوایل انقلاب و در سالهای نخست، با اتهام های مختلف بسیاری از نیروهای عمدی دخیل در به ثمر رسیدن انقلاب اعم از نیروهای ملی و مجاهد و فدایی و... و پس از چندی بعد از آن نیروهای ملی مذهبی هر یک از صحنه رقابت سیاسی کنار زده شدند، به اتهامات و عناوینی چون لیبرال، ضد انقلاب، عامل استکبار، منافق، مرتد و... بودن. این روند با فراز و نشیبهایی تداوم یافت، به ویژه در سالهای بعد از مهمترین نمونه های این حذفها می توان به برخوردی که با آیت الله منتظری صورت گرفت و منجر به طرد و سرانجام حصر او شد اشاره نمود.

سرانجام در ادامه این روند است که وضع به تضادهای برآمده از رقابتهای جناحهای مختلف در دوران تصدی اصلاح طلبان بر دولت و مجلس و بعد آن می رسد و در این برهه است که رفته رفته نیروها و افراد و گروههای تازه ای از خیل اصلاح طلبان در مظان اتهام و مورد خشم و غضب باندهای حاکم قرار گرفتند، بدیهی بود که در نتیجه این چالش آفرینی ها در برابر یک جریان خودکامه و از دید اصولگرایان و افراطیون، اصلاح طلبان می بایست به هر نحو ممکن از قدرت کنار روند هر چند سابقاً بسیاری از این نیروها و افراد در برپایی و تداوم نظام اسلامی این خواست را دشوار و صعب می نمود ولی این موضوع نتوانسته است اراده حاکمیت را برای طرد آنها، حال به هر نحو ممکن مانع گردد، بنابراین با کار شکنی هایی که در دوری اصلاحات به روشهای مختلف صورت گرفت و دست یازیدن به خشونت و به حتی ابزار ارباب و ترور و سرانجام با دخالت در انتخابات و از

طریق غربال نظارت استصوابی و سرانجام ثقلب، این امر یعنی قلع و قمع سیاسی اصلاح طلبان محقق گردید، اما هنوز احتمالاتی در زمینه امکان بازگشت اصلاح طلبان و تدوام چنین اراده ای در آنها برای مزاحمت دوباره وجود داشت.

و اما این احتمال بازگشت اصلاح طلبان و تقابل همه جانبی اصولگرایان حاکم به هر طریق با این خطری که چندی از آن مصون بودند، به انتخابات سال ۸۸ و به حوادثی انجامید که اگر چه از یک سو نظام را دستخوش زلزله و بحرانی عمیق ساخت، ولی از دیگر سو، نقطه عزیمت و دستمایه ای تاریخی و تعیین کننده گردید برای حذف و سرکوب بی سابقه و به محاق بردن توش و توان نیروها و طرد اکثر چهره های عمدی اصلاح طلب. به ویژه عنوان اتهامی که در این زمینه ساخته و پرداخته شد و محملی برای یک جریان سازی گردید و بر روی آن از سوی اصولگرایان هیاو و سپس اجماعی به وجود آمد عنوان «فتنه» و «جریان فتنه» برای بانیان و دست اندرکاران اعتراضات پس از انتخابات بود. این عنوان فتنه را نیز باید ادامه ای با فاصله زمانی و از جنس همان عناوینی محسوب نمود که از ابتدای انقلاب تا کنون دستمایه مرز بندی و حذف قهرآمیز و بی گذشت بخشهای مختلفی از نیروها از عرصه سیاسی بوده اند.

این دستمایه حذف نه تنها شرکت کنندگان در جریان فتنه و سران آن را در بر گرفت بلکه فراتر از این تاکنون و در آینده نیز تلاش بر این بوده است و خواهد بود با عناوین جنبی و مربوطی چون «حامیان فتنه» و حتی «ساکتین فتنه» برخی دیگر از نیروهایی که احیاناً متزلزل، مزاحم یا مشکوک پنداشته شده اند را نیز به حاشیه رانده و تدریجاً از گردونه مناسبات و مناصب قدرت کنار نهاده شوند.

روند بی بازگشت:

باید توجه داشت که حاکمیت به اقتضای بقاء طبیعت و ماهیت بسته و استبدادی و منافع تکوین یافته و انحصارطلبانه سیاسی و اقتصادی آشکار و پنهان خویش هزینه و نیروی بسیاری برای این عنوان و جریان پردازی ها و جبهه گیری ها و رفتارهای حذفی خود صرف می نماید تا مرزبندی عقیدتی و ایئولوژیکی و جبهه واحدی را پیرامون آن شکل دهد، هم اینها طبعاً احتمال عقب نشینی و بازگشت از اینگونه مواضع را برای حاکمیت، عملاً ناممکن یا بسیار صعب و دشوار می سازد. رفتار حاکمیت در آستانه انتخابات این تصمیم و این روند را به نمایش می گذارد، عزم راسخ این حاکمیت و الگوی رفتاری که در

پیش گرفته است تابعی از همان الگوی کلان و مرسوم هم نمونه های تاریخی حکومت‌های ایدئولوژیک بوده و در این زمینه استثنایی که بتواند جایی را برای گمانه زنی ها و رویکردهای اصلاحی باز گذارد دیده نمی شود.

با وجود این هزینه ها و مرز بندی هاست که باید پذیرفت دیگر بعید به نظر می رسد بتوان امکان بازگشتی را برای جریان و افراد و گروه های عمده و اصلی اصلاح طلب به عرصه رقابت سیاسی در محدود نظامی در حال انقباض مستمر، متصور شد. و این عدم بازگشت را برای آنها می توان در روال و رویه حذفهای بی بازگشت پیش از آن در قبال نیروهای دیگر قلمداد نمود، اگر چه ممکن است تفاوتها و تغییراتی در شیوه و روش برخورد و حذف مخالفان و مدعیان به اقتضای شرایط زمانی کنونی با برهه های پیش وجود داشته باشد، اما ماهیت و هدف اصلی همان است که بود: حذف قهر آمیز و واجب و ضروری یک نیرو و جریان مزاحم و خاطی از صحنه سیاسی، ضمن اینکه در غالب موارد این جبهه گیری و جریان سازیهای پرهیاهو، با هاله ای از شیطان سازی پیرامون یک اتهام جنجالی غیر قابل اغماض و از دید حاکمیت نا بخشودنی، همواره وجود داشته است.

در چنین شرایطی و بنا بر این وضعیت است که با صرف انتساب خویش به عنوان اصلاح و میل و خواست در این راستا نیست که می توان برای خود هویتی در این زمینه قائل شد و وضع و حال خویش را ارزیابی نمود. بلکه بیشتر و فراتر از آن، با توجه با تاریخچه و سابقه جمهوری اسلامی در برخورد با حذف شدگان، باید نخست نوع منش و ماهیت و به تبع آن نگاه و تلقی و خواست و اراده نیروی حاکم بر قدرت را نیز نسبت به جایگاه این نیروها و افراد در نظر گرفت. طبعاً این تلقی فاکتوری اساسی است که مقدمات یا محذورات فراروی این جریان را ترسیم می نماید.

اگر مشروعیتی از دیدگاه حاکمیت برای اطلاع طلبان وجود ندارد، پس ابزار و امکانی نیز برای اصلاح طلبی و اصلاح وجود ندارد و هنگامی که امکانی برای اصلاح وجود نداشته باشد، خود را اصلاح طلب نامیدن و ملتزم به حفظ و فعالیت در ساختار فعلی شدن فایده و نتیجه ای در پی نخواهد داشت. علاوه بر این، وضعیت رفته رفته با بسته تر و محدودتر شدن روزافزون فضای سیاسی، و با کنار رفتن عملی روشی چون انتخابات که روش و راه حل مورد نظر اصلاح طلبان برای پیشبرد آمالشان بوده است و درحالیکه چشم اندازی از گشایش متصور نیست به یک تناقض یا وضع متناقض برای اصلاح طلبان خواهد انجامید، به این

معنی که اصلاح طلبان برای نیل به خواسته های خود باید منتظر انقلاب و دگرگونی بسیار عمده و اساسی در وضعیت حاکم باشند.

ضمن اینکه باید اشاره کرد، در طی تحولات سالهای اخیر بخشهایی از افراد و نیروهای سابقاً اصلاح طلب متوجه وضعیت و موقعیت خویش در رابطه با نگرش و رویکرد و اساساً ماهیت نظام حاکم گردیده و تدریجاً راه خویش را از رویه های اصلاح طلبی و توهامات اصلاح طلبان جدا کرده اند و خواهند کرد.